

عصر ما عصر پیروزی طبقه کارگر است

اول ماه مه روز همبستگی بین المللی کارگران جهان است، روزی است که در آن طبقه کارگر با نظارهات پرشکوه خود همه ساله پیروزی عظیم خود را در مبارزه با نظام کهنه و سید و سرمایه داری و بخاطر نیل به خواسته های صنفی و آرمانهای سیاسی و طبقاتی خود سان می بیند. دوران ما دوران انقلابات پرولتاریائی است، عصری است که طبقه کارگر با مبارزه علیه مستکمران و استثمارگران به آفرینش جامعه مضبوطی پرداخته است. به نظام کهنه یورش میبرد تا آنرا از اساس ویران سازد و بجای آن جامعه نوینی بنشاند، جامعه ای که در آن از ستم‌های طبقاتی اشری برجای نمیماند. پرولتاریا در مرکز این دوران است، در مرکز و رانی است که فرجام آن چیزی جز پیروزی و رخشان پرولتاریا و روزنهائی روشن و تابناک در برابر بشریت نیست و نتواند بود.

نیروی طبقه کارگر در شرف سوختن خورد می و از آنجمله شاه روز ما در ایران را بخوبی احساس میکنند و میکوشند با وجود این نیروی لایزال را رام کنند و خدشت خویش بکنارند. شاه ایران نیز اسال در جشن اول ماه مه لا بد سخنان شیرینی "تحویل کارگران عزیز" خواهد داد و دوباره از "انقلاب شاهانه" سهیم شدن کارگران در سود کارخانه و "فروش سهام کارخانه ها به کارگران" سخن خواهد گفت به آنها بگوید زندگی بهتر، شرایط کار بهتر و از همه بهتر خانه بسکن خواهد داد و این وعده ها همه برای آنکه آنها بیشتر کار کنند، بهتر کار کنند و بکشند تا میزان کارائی خود را افزایش بخشند و "بتوانند از مزد بیشتری استفاده کنند و در نتیجه وضع خود بهبودی بخشند". خلاصه همه وعده و وعید ها بر این محور میگرد که کارگران به استثمار شدیدی تن در دهند و با کار روز حمت خود، با عرق جبین و گدیم سود های کلان و کلانتری بجیب استثمارگران بزرگ داخلی و خارجی سران برکنند.

اما کارگران ایران بیش از آن آگاهند که این نیرنگها آنها را فریبند. آنها از ده سال مبارزات درخشان گذشته خود آموخته اند، آنها سیاست ضد کارگری رژیم شاه را خوب می فهمند، آنها برای العین می بینند که علی رغم افزایش سراسر آرزوهای نیرنگی در ستمزد های آنها افزایش می یابد یا لا اقل متناسب با از دیار هزینه زندگی افزایش نییابد. بهای کالا های مورد نیاز بطور روزمره بالا می رود، افزایش اجاره مسکن بقسمی است که بیش از نیمی از ستمزد آنها را می بلعد، قانون هشت ساعت کار فقط بر روی کاغذ است، قانون بیمه های اجتماعی بجای آنکه مرهمی بر زخم های کارگران بگذارد، آنها را بیشتر رنج میدهد، آزادی سندیکائی و حقوق موکراتیک برای آنها در حکم کیمیا است، حتی حق اعتصاب که از حقوق بدوی و شناخته شده کارگران است، از آنها سلب شده است. بطور خلاصه در ایران شاه زده کارگران از همه چیز محروم اند. دستکسای ساواک نیز از اعمال هیچگونه فشاری بر آنها خودداری نمیورزد.

در این میان نقش درود سته کیتسمرکزی جالب توجه است. آنها به این بهانه که کارگران باید در سازمان شمشاخته سازمان کارگران ایران گرد آیند و آنرا به سازمان خود مبدل گردانند در واقع کارگران ایران را به زیر پرچم سازمان امنیت رژیم شاه فرا میخوانند. این درود سته که از طبقه کارگری بر تافته اند با اینگونه تبلیغات بسود رژیم بیشتر از ما هیت ضد کارگری خود پرده میبرند تا آنکه کارگران را به اجازمان امنیت اندازند. بدینسان فشار زندگی و اجتماع بر روی کارگران طاققت فرساست معدنک سرمایه داران آزمنده با اینهمه انگفانیکند پیروزی نیست که بسا دست شاه و دولت، این حامیان پیروزی بزرگ خارجی و داخلی ایران و باد ست وزارت کار که اکنون یکی از اعمال آشکار ساواک در ایران است، علیه کارگران توطئه نمیچیند. مسئله "استقرار نظم در محیط کار" و "تهیه آئین نامه انضباطی" که در دستور کار وزارت کار فرمایان است یکی از توطئه ها برای اعمال فشار بیشتر به کارگران است.

در قطب مخالف طبقه کارگر، سرمایه داران بزرگ هر روز از دسترنج کارگران پرشورت و سرمایه خود می افزایشند، زندگی افسانهای برای خود ایجاد کرده اند. در قصر مجلل و باشکوه زیست میکنند و از گنجه نعمات زندگی برخوردارند. فاصله در قطب کار و سرمایه هر سال فزونیتر میگردد و تضاد میان در قطب پیوسته حاد و حاد تر میشود. تشدید مبارزه طبقاتی کارگران در سال گذشته نمود ارحمت تضاد در قطب کار و سرمایه است تشدید مبارزه طبقاتی در ایران از یک طرف و مبارزه با سرمایه داران و با با بنیان امنیت آنها نیست و آنها را در رنگرانی عمیقی فرو میبرد. آنها اعتصابات کارگران را با حیل و نیرنگ با فشار وحتی بخون کشیدن آنها خاموش میکنند. کارگران روزمند ضاد رخاک و خون می غلظند ولی اعتصاب را از سر میگیرند و این داستان امروزی نیست و تا بود چنین بود ما ست. نه صغیر گول که کارگران را از مبارزه طبقاتی باز میبرد و نه وعده مغریبی های شاه و طبقه حاکمه در دل کارگران تیره میگذارد. مبارزه همچنان ادامه می یابد.

ولی این مبارزه متشکل نیست. خود روستا طبقه کارگر از وحدت و تشکیلات، این یگانه سلاح مؤثر مبارزه، برخوردار نیست طبقه کارگر برآ مبارزه ماه کی دارد. جنبش طبقه کارگر از عامل نهی و آگاه مبلو تر است. هنوز حزب طبقه کارگر در ایران به مرحله احیاء در نیامده است. هنوز طبقه کارگر ایران در آرای سازمان سیاسی خود نیست سازمانی که کارگران را وحدت بخشد و سازمان دهد. البته طی یکی دو سال اخیر کوشش های ایران ام از کارگرها روشن فکر در کار احیاء حزب طبقه کارگر بصوفیتهای قابل توجهی دست یافته اند و همین است که مرحله تدارک در پیروزی و پایان میرسد و طبقه کارگر سازمان سیاسی خود را باز خواهد یافت.

رسالت آزادی ایران از یوغ مستکمران و استثمارگران داخلی و خارجی از آن طبقه کارگر ایران است که همراه با متحدین خود و رهبری آنها مستکمران و استثمارگران را بگور خواهد سپرد و از آن پرچمشن اول ماسمراد را بر ایران آزاد مستقل و شکوفان برخواهد داشت. ما روز اول ماه مه را به همه کارگران و زحمتکشان ایران از دل و جان شاد باش میگوئیم و به آن رفقای کارگری که در شرایط دشوار فشار و اختناق کار احیاء حزب طبقه کارگر را به پیش میبرند درود می فرستیم.

فرخنده باد جشن اول ماه مه، روز همبستگی روزنده همه کارگران و زحمتکشان جهان!
پیروز باد مبارزه کارگران و زحمتکشان ایران!
کامیاب باد مبارزه بخاطر احیاء حزب طبقه کارگر ایران!

امپریالیسم آمریکا و دفاع از حقوق بشر؟؟؟

امپریالیسم آبرویاخته آمریکا برای آنکه آب رفته را بجوی باز آورد به نیرنگ تازه ای برخاسته و سیاست تازه ای در پیش گرفته است: سیاست دفاع از حقوق بشر، امپریالیسم آمریکا و دفاع از حقوق بشر! این بزرگترین مضحکای است که تاریخ قرن بیستم بخود می بیند بزرگترین عوام فریبی است که امپریالیسم تاکنون برای انداخته است بزرگترین دروغی است که خلقهای جهان تاکنون شنیده اند. باور نکردنی است ولی واقعیت است. امپریالیسم آمریکا یکی از بزرگترین پایمال کنندگان حقوق بشر وحتی در سرزمین آمریکا، امپریالیسمی که در تاریخ حیات خود برای منافع آزمنده ان خود در ها و صدها ملیون مردم جهان را با دست سگان زنجیری خود که بر سندان قدرت نشانیده، از هرگونه حقوق سیاسی و اجتماعی و فردی محروم ساخته و آنها را تا درجه بردگان تنزل داده و به جهل و فقر و عقب ماندگی محکوم کرده است، امپریالیسمی که در همین سالهای اخیر در ویتنام با بمب و لائوس ملیونها تنود فرزندش را بقتل رسانیده و به قحط و فلاکسانیده است، امپریالیسمی که سازمان جاسوسی آن هر جا که خلقی برای رهائی از اسارت در برابر آمریکا می ایستد بگولت و قتل توسل میجوید تا هرگونه مقاومت در برابر خود را درهم شکند، امپریالیسمی که حتی در سرزمین خود شکمبه سیاه پوست را از حقوق انسانی بی بهره می شناسد و بر آنها تبعیض نژادی روا میدارد، امپریالیسمی که برای زجر و شکنجه آزاد بخواهان و هواداران حقوق بشر آموزشگاههای شکنجه دارد و در آنها شکنجه گرواد مکتور پرورش میدهد. . . . آری چنین امپریالیسمی اکنون از زبان بالاترین نماینده خود نغمه دفاع از حقوق بشر سرداده است و امپریالیسم های دیگر که در تقبی حقوق انسانی دست کی از آمریکا دارند با وی هم آوازی و همد استا برخاسته اند.

این ایرای جدیدی که نیروهای امپریالیسم و ارتجاع به رهبری امپریالیسم آمریکا را مانده اختراعند از جنبه ای آب میخورند، چه هدفی را دنبال میکنند؟ سیاست دفاع از حقوق بشر سلاحی است در دست امپریالیسم آمریکا در رقابت با هر قدرت شوروی بخاطر توسعه مناطق نفوذ و از آنجمله نفوذ در قمر و سوسیال امپریالیسم و نیز بخاطر بازگردانیدن آبرو و اعتبار از دست رفته امپریالیسم آمریکا.

زمانی خلقهای جهان که در دست امپریالیستهای فرانسه و انگلستان اسیر بودند بعلت عدم شناخت و عدم آگاهی با همبندگی امپریالیسم آمریکا بنسبته فرشته آزادی مینگریستند و نجات خود را از استعمار باد ست اوی پنداشتند. امپریالیسم آمریکا نیز بویژه پس از جنگ دوم جهانی آنها را با مبارزه آزاد بیخوش تشویق بقیقه در صغفه ۲

پیروز باد مبارزه آزاد بیخوش خلقهای جنوب آفریقا

در جنوب آفریقا مبارزه مسلحانه طامع و مصمم میهن پرستان علیه رژیم های نژادپرست همچنان ادامه دارد. میهن پرستان این حکم صحیح را راهنمای خود قرار داده اند که بدون مبارزه مسلح نبل به آزادی امکان پذیر نیست. این اراده طامع خلقهای جنوب آفریقا برای آزادی خود از طریق توسل به اسلحه آنها را هر روز بصوفیتهای تازه و نازشتری میرساند. خلقهای جنوب آفریقا به این نکته ایمان دارند که در مبارزه آزاد بیخوش خود تنها نیستند. همه خلقهای آفریقا آما دمانند از آنها پشتیبانی کنند و آنها را یاری رسانند.

کامیابیهای خلقهای جنوب آفریقا رژیم های نژاد پرست و حامیان امپریالیست آنها را در وحشت و نگرانی سخت فرو برد ما ست، رژیمهای نژاد پرست با تمام قوا بمسند قدرت چسبیده اند و حاضر نیستند آنها را با کسرت خلق واگذارند. برای مقابله با مبارزه مسلح میهن پرستان آنها ماشین نظامی خود را تکمیل و تقویت میکنند. فرستادگان این رژیم ها با اقطار و اکتاف عالم در کشورهای مختلف سر مایه داری به جمع آوری سربازان مزدور اشتغال دارند.

رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی برای آنکه حمایت امپریالیست ها را بیشتر جلب کند در های این منطقه را بروی سرمایه های خارجی بطور کامل گشود ما ست. آمارهای موجود حکایت دارند از اینکه در ۱۹۶۰ فقط ۶۰۰۰۰۰ آمریکائی در آفریقای جنوبی فعالیت میکردند در حالی که در ۱۹۶۵ این رقم به ۱۸۰۰۰۰۰ و در ۱۹۷۰ به ۲۰۰۰۰۰۰ بالغ گردید.

سرمایه گداری امپریالیسم آمریکا نیز متناسب با افزایش تعداد موسسات افزایش مییابد. اگر در ۱۹۶۰ سرمایه آمریکائی در این منطقه از ۲۸۶ ملیون دلار تجاوز نمیکرد، در ۱۹۷۰ رقم سرمایه گداری تا ۸۶۴ ملیون دلار بود و در ۱۹۷۳ به ۱/۴ تا ۲ میلیارد دلار بالافت و امروز یقیناً از این مبلغ نیز فراتر رفته است. در کار آمریکا شرکتهای انگلیسی، آلمانی و دیگران از این خوان گسترده سهی دارند. این شرکتهای تمام ثروتهای طبیعی منطقه را از جمله مس، اوران، الماس، روی، سرب، تحت کنترل خویش در آوردند و همسایه هر که از این مزرده ها ملیون دلار سود میبرند. گذشته از ثروتهای طبیعی منطقه جنوب آفریقا دارای اهمیت سوق الجیشی و نظامی است. بهبودیست که امپریالیست ها بویژه امپریالیسم آمریکا تلاش میکنند رژیمهای موجود را بشکلی بر سندان قدرت نگاه دارند و بقیقه در صغفه ۲

«پیک ایران» و پنیربلغار

از قدیم گفته اند که امپریالیست ها در خد متکبران خود هیچگونه چوب کبریت نمیگردند، پس از آنکه از آن استفاده کردند آنها را بدور می افکنند. امپریالیسم شوروی از این حکم مستثنی است و نه خد متکبران وی، در اورد سته "کیتسمرکزی".

راد یوی شوروی "پیک ایران": البته ما کتک بید ریخ شوروی بوجود آمد نه برای آنکه در ایران بنگلانی برای آزادی ایران بپزند از یاکتی برای انقلاب بین ایران باشد بل برای آنکه ما ملی برای تا میسرن منافع و سیاست روی زمین استهای شوروی در ایران گردند.

هنوز اندکی از شروع کار پیک ایران نگذشته بود که روابط شوروی با ایران بر سر انعقاد قرارداد در و جانیه ایران و آمریکا بهتر میگردد. و پیک ایران مبارزه شاهانه را به این "چومپتر" بر عهد نگرفت. اما این مبارزه در تصمیم شاهد اثر به انعقاد این قرارداد است. تئوری نبخشید و شوروی بر آن شد که در باره روابط خود را بلنا بهبود بخشد. این بار هم "پیک ایران" ماموریت یافت که رژیم شاه و انقلابات شاهانه را مورد تا میید و ستایش قرار دهد. اما تا میید و ستایش شاه شاهی که دشمن شماره خلق و مورد تفرشیدید تود های بقیه در صغفه ۳

فرخنده باد روز همبستگی روزنده کارگران!

پیروز یاد مبارزه... بقیه از صفحه ۱

منطقه را بطوری فیصله دهند که بتواند سرمایه‌های آنها هیچگونه آسیب و زبانی وارد نیاید. امریالیست‌های آمریکا هم در این اندیشه هستند که آنها را در کنار حلقه‌های جنوب آمریکا از خود جدا سازند. راه حلقه‌های پیشنهادهای آنها را واقع نیرنگی برای طرح کردن جنبش آزاد بین خلق است.

است که قدرت استعماری کهنه را با استعمار نوین جان‌نشین سازند. اقدامات دیپلماتیک آنها با خاطر مراعی حقوق بشر بخاطر آزادی خلق‌های در بند کشیدنیست. بخاطر منافع اقتصادی و نظامی آنها است که اکنون سخت در مخاطره افتاده است.

مسافرت کیسینژوف و روز بر خارخرف وقت آمریکا به قاره آفریقا و سپس تشکیل کنفرانس ژنوخت رهبری انگلستان بجائی نرسید و شکست مواجه گردید. هند ارض‌های ظاهری جیمی کارتر و مسافرت یانگ نایند آمریکا و قاره آنها از اکثریت سیاه پوست کشورهای جنوب آفریقا بمنتیجهای نینجا کت در مسافرت نخست وزیر انگلستان پیا آمریکا و مذاکرات او با کارتر زمینه توطئه‌ها و تفسیم‌های جدیدی فراهم کردید که اکنون وزیر خارجه انگلستان که بکشورهای منطقه میثنا بد در اجرای آنها استولی از هم اکنون باید گفت که امیدى به موفقیت او نمیروید.

در این میان ابرقدرت شوروی نیز که چشم طمع به ثروتهای آفریقا دوخته و در دست آوردن پایگاه‌های نظامی در آفریقا به ویژه در منطقه جنوب این قاره راست بیگاریست. سوسیال امریالیسم شوروی بآرد بگرمازه آزاد بیختر خلقها و مشکلات اقتصادی یارهای از کشورها آفریقا را دستاویزى برای بر سرزمین قاره فرار او باست. پیور سوسیال امریالیسم باین قاره با اعزام فیدل کاسترو و آغاز کردید که به یک رشته از کشورهای آفریقا و از آنجمله کشورهای مجاور منطقه نوظای مسافرت کرد و کلهای خود را از سرایز و اسلحه و کارشناس عرضه داشت. بد نیال او صدر هیئت رئیسه شوروی عالی اتحاد شوروی یاد کورنی به کشورهای منطقه شتافت تا در ساحل از آزادی خلقها پشتیبانی کند و وعده همکوشی "مسافرت و از آنجمله تحویل اسلحه بآرد هد. اکنون یاد کورنی فیدل کاسترو و هر دو در مسکو مشغول توطئه‌هایی علیه خلقهای آفریقا باند. توطئهای که باید بآرد ست سرایز کوتای و اسلحه شوروی انجام پذیرد و این منطقه پرثروت و استراتژیک را تحت نفوذ شوروی در آرد.

باردیگر قاره آفریقا صحنه رقابت و ابرقدرت‌هاست. هر دو ابرقدرت برای خلقهای جنوب آفریقا اشک تصاح میریزند. هر دو "یاری" باین خلقها بیکدیگر میسرقت میکنند. هر دو بیکدیگر راهبردید میکنند و از مد اخله در امور داخلی بیکدیگر بر حذر میدارند. هدف و ابرقدرت کاملاً روشن است: یکی از آن دو آمریکا رتنگی و حفظ منطقه زرخیز و مهم جنوب آفریقا و بطور کلی قاره آفریقا برای انحصارها و شرکتهای بزرگ آمریکا و اروپای غربی است. دیگری اتحاد شوروی در این است که این منطقه پرثروت و از لحاظ استراتژیک مهم را از دست سوسیالیسم آمریکا و امریالیسم های غرب بیرون آرد و سلطه خود را بر آن بگستراند.

اما و ابرقدرت بیبوده خوابهای خوشین بینند. مبارزه مسلحانه خلقهای جنوب آفریقا علیه اقلیت نژاد پرست و بخاطر درهم شکستن اسارت و تبعیض نژادی وارد مرحله نازمای میشود که مسلماً با برافتادن دولت‌های نژاد پرست و افتادن قدرت بدست خلقهای منطقه پایان خواهد پذیرفت. هر کسی که اندکی با تحولات دود هه اخیر جهان آشنائی داشته باشد چنین تحلیلی را برایش آسان می بیند. اما دولت ارتجاعی یان اقلیت سرخشی بخرج میدهد. توطئمی چینه بند و دست میکند تا همچنان قدرت در دست اقلیت نژاد پرست باقی بماند. هم اکنون این دولت تصمیم گرفته برای جلوگیری از همکاری خلق زیباهو به نیروی مسلح آن. دهقانان و کارگران سیاه پوست را از راد و کاههای تحت سرایت کرد آرد و پشتی هتای کاری که امریالیسم آمریکا درونشام بدان دست زد و سودی نبرد.

هیچ توطئهای صحیح اقدامی نمیتواند اراد خلقهای جنوب آفریقا را برای آزادی سیاسی و اجتماعی کامل خود در رهشکند. مبارزه پیوسته شدت بیشتری خواهد گرفت و فرجام آن جز پیروزی درخشان خلقها نتواند بود.

امریالیسم... بقیه از صفحه ۱
میکرد با مبارزه آنها حید امیکردید و حتی از کمک به آنها دریغ نمیداشت. اما اینهمه نه برای آنکه برای خلقهای آزادی بهار میغان آرد. بل برای آنکه امریالیسم بفرورد براند و سپس خود جای آن را بگیرد. در دست همان کاری که امروز سوسیال امریالیسم شوروی در قبایل مناطق نفوذ امریالیسم های دیگر انجام میدهد.

برای ایرانی‌ها این نمونه هنوز زنده باست که چگونه امریالیسم آمریکا در زمان جنگ و پیر از سوم شهربرد در ابره وقت سر بخشانه انگلیس در زمینه واگد ارکردن بخشی از سهام شرکت نفت انگلیس و ایران به آمریکا از جنبش مردم ایران بخاطر پیروزی رساندن امریالیسم انگلیس پشتیبانی کرد. تا بال آخر با گذراندن قانون صلی کردن صنعت نفت امریالیسم انگلیس را بزاند و آرد و پس از کودتای ۲۸ مرداد سرانجام چهل درصد از سهام نفت جنوب را بخود اختصاص داد و بترتیب در تمام زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی جای امریالیسم انگلیس را گرفت. اگر در دوران سیست ساله رضاخان امریالیسم انگلیس بر ایران حاکم بود در دوران ۲۵ ساله اخیر حکومت محمد رضاشاه امریالیسم آمریکا بگرکورد و مسلط کردید و هم اکنون مسلط است.

امریالیسم افتریک پیش از جنگ بر آن بود که در نتیجه طرد اثر لیسم از کشورهای استعمارزده "خلای" ایجاد بیکرد و امریالیسم آمریکا گویا رسالت جهانی از اد کاین خلا را بگیرد. امریالیسم آمریکا این سیاست را در تمام دوران پس از جنگ بدستال کرد و هنوز هم بد نیال آن روان است. اکنون بنابر امریالیسم آمریکا گویا "خلای اخلاقی" در بسیاری از کشورهای موجود آمد باست. این "خلای اخلاقی" چیزی جز نقض حقوق بشر نیست و امریالیسم آمریکا رسالت دارد کاین "خلای اخلاقی" را نیز برگرد یعنی بد فاع از حقوق و یا مال شد و بشر بخیزد! جیمی کارتر از همان زمان بیگاری انتخاباتی خود اعلام داشت که مللی که در جستجوی دوستی و پشتیبانی آمریکا باند باید فهمند که ایالات متحد میخواست که به حقوق بشر احترام گذارد شود. سایروس وینس وزیر امور خارجه آمریکا در رساله صاحب مطبوعاتی ناگید کرد که مسئله نقض حقوق بشر برای آمریکا دارای اهمیت اساسی است. اما بدیهی است این ۳۳ میلیون در جاتی است که منافع توسعه طلبانه آمریکا درین سیاست را ایجا کرد. بگفته وزیر خارجه آمریکا در هر حالت ما باید همیشه توجه خود را نسبت به احترام به حقوق بشر بآرد. فهای نظامی و اقتصادی خود متعادل سازیم و در نتیجه ما آنکه آمریکا بدتی طولانی

است که از وضع حقوق بشر در این کشور (کره جنوبی) نگرانی‌ها را در "مفد لک درک آمریکا باین کشور حتی تخفیفی هم نمیروید اده است. سلاح جدید امریالیسم آمریکا و پشتیبانی مقامات رسمی ایالات متحده و زار اضیان شوروی مقامات سوسیال امریالیسم را بشدت نگران ساختماست. دلیل آنهم اینست که در کشور روسیه اکنون حقوق بشر مانند هر کشور فاشیستی دیگر اعمال میشود. تمام در آن کرملین قانون اساسی شوروی را مانند ورق پارهای لنگ‌دنان میکشند و خلق شوروی را هیچیک از آزادی‌های دموکراتیک برخوردار نیستند. کشور شوروی اکنون بآرد بگرزند آن ملل است و کارک بمانند ساواک در ایران، سلطه سیاه و شوم خود را بر سراسر شوروی و پروری خلقها گسترده است. هزاران زندانی سیاسی در راد و گاهها و بیمارستانهای بزوانی زجر و شکنجه می بینند. مقامات شوروی مانند شاها ایران از وجود زندانیان سیاسی اظهار بی‌اطمینی میکنند چون زندانیان سیاسی را جانیتکار میخوانند و در نتیجه برآند که در این کشور زندانی سیاسی وجود ندارد. کارک بمانند حتی با بی پروائی در شوروی مسکومب میکد ارد و بد های از مردم بیکدم امر مجرک و مقبول میسازد تا مخالفتان را "تروریست" و جنایتکار بنمایاند. اتحاد شوروی تمام خلقهای عمالک افکار خود را نیز از آزادی و استقلال از کیه حقوق انسانی محروم ساختماست. اینها همه واقعیتهاست و انگار نایند برآست. اما وقتی کارتر بر روی نقض حقوق بشر در شوروی اصرار میورزد همه کسی فهمید که با حقوق بشر با شاهه سلاحی در رقابت خود با شوروی منظور جلب سمپاتی خلقهای تحت اسارت بود و نفوذ در ظهور شوروی بگاری برد چنانکه شوروی خود باشعارهای آزادی و استقلال خلقها با کمک به خلقها و برای نبل به آزادی سیاسی و اقتصادی وارد میدان شده است. چنانکه هم اکنون خود را قهرمان آزادی خلقهای جنوب آفریقا مینمایاند.

ایران در جمع کشورهای جهان یکی از کشورهای نادری است که در آن حقوق انسانی با سمیت و به شیوه بهمینی نقض میشود. این واقعیتی است که مورد قبول همگان در سراسر جهان است. امریالیسم آمریکا که نماینده آن امروز احترام به حقوق بشر هم میزند خود باعث و بانی روشی است که خلقهای ایران را از هرگونه حقی حتی ابتدائی ترین حقوق انسانی محروم کرده است. ده ها هزار زندانی سیاسی در سیاه جالهای رژیم شاه شکجه می بینند، صد هات از فرزندان خلق ما - فرزندان شیفته آزادی و استقلال میهن - در خیابانهای امید انهای اعدا مد در خون خود می غلتند. این امریالیسم آمریکا است که همراه امریالیست‌ها

کشورزی... بقیه از صفحه ۳
تکیه کرده است که اگر ایران نتواند حداقل در صد احتیاجات مواد غذایی خود را خود بر آرد از استقلال برخوردار نیست و در همانصوق که این مطلب رامیکت برای کشورزی ایران رشد سالانه ۵/۵ درصد را پیش بینی میکرد و بر آن بود که اگر چنین رشدی دست یابیم در پایان برنامه فقط نیمی از احتیاجات کشور تا ۱۹۷۰مین خواهد شد. اما این رقم ۵/۵ درصد برای آهنگ رشد کشورزی بر روی کاغذ ماند و در نتیجه در پایان برنامه احتیاجات کشورزی ایران از خارج از ۵۰ درصد به مراتب بالاتر رفت و اکنون سال به سال بزوارات مواد غذایی ایران بیوسته افزوده میگردد.

رژیم شاه در گذشته آهنگ رشد کشورزی را ۵/۵ درصد اعلام کرد و بآن دست نیافت، اکنون آنرا تا ۷ درصد بالا برده است. در هر دو حال منظور آنست که ایران را در زمینه اقتصاد کشورزی لاقط بر روی کاغذ در حال پیشرفت نشان دهد. البته آنچه که در عمل بچشم میخورد و در شکستی کشورزی و افزایش واردات مواد غذایی است و جزاین هم نستواند باشد. سیاست ایجاد قطبهای بزرگ کشورزی، سیاست مطلوب امریالیسم آمریکا است. این سیاست اختصاص به کشور مهم ندارد. سیاستی است که در قبایل کشورهای کم رشد به قاره اعمال میشود. کشورزی بدین ترتیب بصورت یکی از عوامل توسعه نفوذ امریالیسم آمریکا در میآید.

دیگر از این رژیم فاشیست آدمکش و فاجده حمایت کرده و میکند. دلیل آن اینست که منافع اقتصادی و نظامی آمریکا در ایران مستلزم استقرار اوامه چنین رژیم حق کسری است. مردم ایران که ده سال است عواقب سیاه منافع اقتصادی و نظامی آمریکا را با کوشش و پوست خود احساس میکنند به ندای کارتر اثر به "اعتراض به حقوق بشر" یا سخنی جز خنده تفسیر نمیکنند. روزنامه "رستا (۲۹ اسفند ۵۵) نوشت: درخواست جیمی کارتر... رهبران طایفه را باین فکر انداخته است که با باین خواست ها هم آهنگ شده و بآن رانانیده بگیرند. آری شاه قدر که به سابقه نوکری با "قرتاست" تصور ارباب را دریافت فرید و ن هوید نمایانده و اثم ایران در سازمان ملل متحد را به ایران فرخواند تا از نظر ایران در این سازمان در مسئله رفتار انسانی با زندانیان سیاسی (آی بیست فطرت!) و توجه به مسائل انسانی با خبرنگاران طبیعت به صاحبه بنشیند. مجلسین را فرمود که کمیته پارلمانی دفاع از حقوق بشر تشکیل دهند. اشراف پهلوی، این زن "عقیقه" که با اشاعه مواد سفود در میان جوانان ایران و جهان به "حق انسان" ها در استعمال این مواد توجه خاطر دارد و در اجلاس به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در روز توجیه رژیم ایران به ناخشنود حقوق انسانی مانند همیشه ترهاتی یافت و تمام این همهاوز و پروری برای آنکه کار ارباب خود را در این بخش از جهان که بمناحیت نقض حقوق بشر انگشت نمای خاص و عام است تسجل کند و مراتب خد متکذری بجای آرد. در راز این خد متکذری البته که باید نگیه روسای جمهوری آمریکا صرف نظر از هرگونه تمایلات سیاسی و فلسفی خود از سیاست دوستی و همکاری با ایران پیروی نکنند چنان که در گذشته کردند. جیمی کارتر نیز بطریقه شعار دفاع از حقوق بشر از این سیاست امریالیسم آمریکا نستواند سرچی کند چنانکه اسلاف او نتوانستند. بنا بر سفرای ایران در واشینگتن و کسور ایران و آمریکا موافقت نامه‌های تجاری بمبلغ ۵۰۰ میلیون دلار امضاء کردند. کیهان اینتر نانشال ۳۰ دسامبر ۵۵ مطابق ۱۹ فوریه ۷۶) اگر آمریکا باید دفاع از حقوق بشر را با منافع اقتصادی و نظامی خود متعادل سازد در اینصورت هرگز ۵۰ میلیارد دلار با دفاع از حقوق انسانی خلقهای ایران معاوضه نخواهد کرد. اگر جزاین میباید امریالیسم آمریکا با امریالیسم آمریکا پیوسته دو ابرقدرت آمریکا و شوروی و در بزرگترین مستر جهان اند. هر جا که آنها میباید جانی برای احترام به حقوق بشر باقی نمی ماند. آنها وقتی از آزادی و استقلال، از احترام به حقوق بشر دم میزنند در واقع دروغ بزرگی میکنند. چون گوید دروغ هر چه بزرگتر باشد بیشتر در دهان جای میکند. اما خلقهای ایران هرگز فریب این "دلسوزیها" آمریکا و روسیه را نخواهند خورد. امریالیست‌ها هیچگاه جز اسارت و نقض حقوق بشر را میمانند ندارند.

آزادی ایران ورهائی از رژیم ملی و اجتماعی کار خلق است و خلق است که با قیام خود با در دست گرفتن اسلحه و تشکیل ارتش ملی تو دهای همه امریالیست‌ها را از هر نوع که باشند روسی آمریکائی اروپائی، همراه با مباحثان پست و آدمکش آنها کشاه سرگردی آنها را برعهده دارد تا نبود خواهد کرد و آزادی و استقلال و حقوق انسانی از دست رفته خود را با نخواهد یافت.

مقامات دولتی ایران برای آنکه در شکستگی کامل کشاورزی رابوشتانند و کشاورز را رجال پیشرفت نشان دهند به وسایف موصول میجویند: نخست اینکه کمابیش یا ناایابی محصولات کشاورزی از طریق یاری او و نتیجه افزایش واردات این محصولات بعلت افزایش جمعیت است که بنا به آمارهای رسمی، به رقم ۲/۷ بالغ میگردد و همین اعتراف براین است که تولید کشاورزی، علی رغم ارقام بزرگی که مقامات دولتی بدست میدهند از آنکس رشد حتی ۳ درصد هم برخوردار نیست. بدوم اینکه بعلت "افزایش سریع درآمد های مردم و بالا رفتن سطح زندگی آنها" و در نتیجه از بی تفاوتی برای محصولات غذایی، واردات این محصولات نیز افزایش یافته است. در حالی که مردم خود می بینند و لمس میکنند که افزایش درآمد آنها بمراتب از افزایش هزینه زندگی و گرانی سرسام آور عقب است و دستمزد و حقوق آنها کافی حد اقل نیاز مندیهی آنها را نمیدهد. البته در ایران اقلیت کوچکی ثروت و مال بهم زد مانند درآمد های افسانهای دارند، ولی این اقلیت را نمیتوان بجای خود مردم جا زد.

وزیر کشاورزی در سالهای قبل بر این نکته بقیه در صفحه ۲ شانزه... بقیه از صفحه ۱ را در دست داشتند همراه خود میبرد که تاکنون از آنها خبری نیست و به مانند صد ها کارگر میانی از سیاهانها محمد رضا شاه خاتین در زیر شکنجه اند. معدنک مبارزه با همان شدت ادامه پیدا میکند. سازمان جهنمی امنیت برای خواباندن اعتصاب هر چه شدت عمل بیشتری بجه خرج میدهند کمتر نتیجه میگیرد. در روز نهم اعتصاب هم زمان با آمدن شاه خاتین به اهواز ساواک کوشش بیشتری میکند و به حبس موصول میشود و با گرفتن خاطر ملوکانه از اعتصاب ناراحت خواهند شد. ما قول میدهم در مورد مقرر سوز ویزه ربه بر ازیم و کارگران اخراجی استخدام میشوند و اعتصاب پایان می پذیرد. (بله صدای اعتراض هزار چکش و هزار کارگر ایرانی مانند نشتر است که بزقت این شاه خاتین و ارباب یانکی امان فرورسود و هر لحظه بیشتری بهای ظلم و ستم خود را از زنان می بیند) استخدام کارگر اخراجی شروع میشود ولی نهاد نظر گرفتن سابقه کار آنها بلکست یک کارگر جدید (یعنی همان بلائی را که بهسرم حرم کارگر زحمتکش کارخانه سیمان حقیقت تهران آوردند و با حقه و نیرنگ سابقه کارچندین ساله او را هیچ کردند). باز سوز ویزه و فقرچمعه های ده بی آنها را میگزیند و به جای آنها یک فقره جدید میدهند که در آن قید شده است این کارگران این روزها کارگر خانه است. هنوز سوز ویزه خبری نیست. کارگران که به در وقت کوشی های آنها وارد بودند مبارزه ربه صورت دیگری خرابکاری در اجناس کارخانه ادامه میدهند و لوله ها و اجناس دیگر از شکل استاند ارد خارج کرده و تخمیراتی در طول و عرض و قطر آنها میدهند و باعث ضرر هنگفتی برای کارخانه میشوند و چون سرمایه داران خود را زمین در مقابل آنها می بیند سوز ویزه ربه آنها را بدخت میکند.

و این آغاز مبارزه است. مبارزه ادامه خواهد یافت و بنها احتیای حزب طبقه کار و بازرگانی آن تمام توده زحمتکش مبارز خواهند و طیونتهاست بر سر این خون خواران فرود خواهد آمد. **شهادت علی کارگر ۲۵ ساله انبارتوشه شرکت لووان تور بدست مزدوران ساواک**

علی یکی از هزاران کارگر زحمتکش ایرانی بود که سالها از زمان نوجوانی با کمترین حقوقی در انبارتوشه شرکت مسافری لووان تور واقع در تهران در خیابان ویلا کار میکرد و استوکارا و گرفتن بار و توشه مسافران بود. چون باریک شخص ناشناسی را که بعد ها جرید از آب درآمد بهود گرفته بود بوسیله افراد جهنمی ساواک مزدوران سیا چند تا افسر شهروانی در محل کارش در بهار سال ۵۵ به قبیح ترین وجهی شکنجه میشود و آن قدر شکنجه او میزنند که بعد از ۲ روز بی هوشی میمیرد.

در حال حاضر در تمام مسافریه های سفر با اسبان یا بقول دیگری از مزدوران ساواک در لباس پلیس کشیک میدهند.

کشاورزی... بقیه از صفحه ۱ و در صحنه جهانی فعال عمل میکند بدین معنی که با ایادی خود در کشورهای کمرش و با توسل به اصلاحات ارضی "از نوع ایران یا بطریق دیگر کشاورزی آنها را بهر شکستگی میکشاند، تولید قوت لا بروت را از آنها میکشد و سپس آنها را به کرسنگی تهدید میکند تا آنکه منظور وی حاصل آید. اما این هنوز یک طرفه مداخل است. امیرالینیم آمریکا پس از آنکه باد است دولتهای دست نشانده مانند ایران ساختمانها زیربنائی ایجاد کرد آنگاه با سرمایه های ناچیز و گرفتن وام اعتبار از کشورهای بیگانه، واحد های تولیدی بزرگ کشاورزی بوجود میاورد، از دست های حاصل خیز و آب و بری ارزان یا رایگان استفاده میبرد، نیروی کار ارزان بکار میگیرد و اینها همه نه برای آنکه بنیازمندیهی اهالی کشور پاسخ گوید بل، برای آنکه محصولات صادراتی تولید کند و آنها را در بازارهای جهانی بفروشد رساند و سود های کلان حاصل را نیز از کشور خارج کند تا توسعه تولید کشاورزی کفکی نکرده باشد. امیرالینیم آمریکا با یک تیر و نشان میزند: زمین و آب کشور کم رشد را بکار میگیرد تا تولید کند و سود ببرد و در ضمن حال مردم کشور را از تولید محصولات کشاورزی محروم کند و محروم گرداند و بی احتیاج خوب سازد. آنگاه است که واردات کشور کم رشد را در دست میگیرد محصولات خود را به بیای کران میخورد و از آن نیز سود هنگفتی میبرد و این فقط جنبه اقتصادی مسئله است.

کشور مستقل مانع "معمونه" روشنی از این وضع است. رژیم شاه که در رگیه زمینه ها و از آنچه در زمینه اقتصاد بحری سیاست امیرالینیم است در همان ایرانی را که تولید کننده اساسی محصولات کشاورزی است بحال خود رها کرده است "هیچگونه کمکی بمعالی وقت باوند میهد برای دهات تا سیاست زیربنائی مانند جاده ها روستائی که از طریق آنها باقیان بتواند مازاد تولید خود را به بازار برساند نیسازد و در نتیجه تولید کشاورزی را بهر شکستگی ورکود کامل میکشاند و دهقانان زمینهای خود را رها میکنند و دولت آنها را اختیار میگیرد. پارچه میکند و آنها را با بصورت قطبهای بزرگ کشاورزی در میاورد که در آنها سرمایه های مخلوط ایرانی و خارجی یا خارجی بتمهائی بکار میافتد و محصولات تولید شده به خارج صادر میگردد.

نتیجه این سیاست وابستگی شدید مواد غذایی مردم ما به خارج ویژه به امیرالینیم آمریکا است. این واقعیت را از روی افزایش واردات کشاورزی ایران بخوبی میتوان دید. گزارش بانک توسعه کشاورزی ایران حاکی است که ۱۳۵۴ سال که با اعتراف مقامات دولتی وضع جوی مساعد بود، محصولات غذایی از طریق تولیدات داخلی نه تنها "مین نکرده بلکه واردات این محصولات نسبت به سال قبل افزایش نشان میدهد. در ۱۳۵۴ سال واردات محصولات زراعی نسبت به دوره مشابه سال قبل ۱/۴ درصد و واردات محصولات دامی نسبت به دوره مشابه سال قبل ۱/۴ درصد افزایش یافته و قیقا وضع سال گذشته از اینهم وخیم تر است.

یک کشاورز را که در خانه و... در نظر گرفته شد؟ مذاکراتی نیز جهت فروش نفت به بلغارستان صورت گرفت. درازا اینسان داد و ستد های پایا پایای و بناظر برقراری موازنه کامل، صدای بی بند و بار را "بیک" از نفس افتاد.

آنگونه که شواهد نشان میدهند گویا قرار بر این میشود که تعطیل را بدو "بیک" کاملاً مخفی بنماید و بر روی از طریق روی زمینستبائی کمیته مرکزی ملت آن شکالآت تکلیکی عنوان شود تا شاید بعداً فرجی حاصل آید و احیاناً شکالآت بر طرفی گردد. اما این موافقت برای رژیم شاه چیزی نبود که بسکوت بر گزار شود. شاه با عهد شکنی دست روسها و عاملین آنها را رو کرد و "سرار مطرحی معامله را عیان ساخت.

رای بی "بیک ایران" فعلاً با امتیازاتی که سوسیال امیرالینیم واقاران بدست آوردند در حقای تعطیل افتاد تا دست شمیده باز شوروی و خد متکرات ایرانی آن باز چه شعبده و نیرنگ تازه ای از آستین بد آورند! انقلابیون ایران باید پیوسته هشیا باشند و در راهی تازه ای که این دشمن خلق خواهدند گسترش نیفتد. آن شکی را بدیم که در خواص است.

دانشتن این امر که که امیرالینیم خطرناکتر است مسئله "رمان و کشور است و نه مسئلهای در ماهیت. برای محافظت و دنیا وجود ارد و یک دشمن که ما می توانیم آنها را مقابله برخیزیم بدین ترتیب که در وجه اول با بورژوازی کشور خود مبارزه کنیم، چون این بورژوازی با بورژوازی همه کشورهای جهان سرمایه داری در آمیخته است. درست باینجهت است که سرنگونی بورژوازی در انگلستان تاثير مخرب بزرگی بر تمام جهان سرمایه داری خواهدگذاشت. و این تاثیر فقط باین جهان محدود نخواهد شد، کشورهای سوسیالیستی را نیز تقویت خواهد کرد که در واقع تکلیفی است که ما باید بهبرادران طبقه کارگر خود در این کشور ها داد کنیم که با تحمل قربانیهای فراوان قابلیت حیات سیستم سوسیالیستی را نشان داده اند.

"بیک"... بقیه از صفحه ۱ مردم راسته "تمه" آبروی اردو سته "کمیته مرکزی" را بهر باز داد و هفت آنها را در ردیف دشمنان خلق گذاردند و از آنها پیش ازین شوروی گردانیدند. بدیهی است چنین وضعی مقاصد شوروی را بر زمین میگذارد و لازماً آمد تغییر در آن صورت پذیرد از اینرو "بیک ایران" ابتدا مبارزه در آزاد بیهای دموکراتیک را و طبقه مبرم خویش شمرد و پس از چندی "سرنگونی" رژیم را در دستور کار خود گذاشته "رزم" و "پیام" بپراکند که گویا مشغول سازماندهی علیه رژیم به خاطر سرنگونی آن است. اما در هیچیک از شعارهای خود قاطعیت نداشت و نمیتوانست داشته باشد. تبلیغاتش بیشتر در حول این محور بود: "کشف شوروی و آمریکا را در ایران تفریق دهنده طبقه وابسته به امیرالینیم آمریکا آنگاه دارد اما جزیقود ما را نیز از شرکت در ستک امیرالینیم میباید داشته باشد." اکنون اتحاد شوروی واقاران بویزه بلغارستان صلاح در این دیدند که به خواست شاه ایران در اثره تعطیل صدای شوروی "بیک ایران" پاسخ مثبت دهند. اینست که ناگهان این زبان گویای خلق به لکت افتاد، حقائق گرفت و "بیک سران" فرسود نشست. در اردو سته "کمیته مرکزی" بکار دیگر قربانی منافق مطامع اربابان خود کردید و بایکد نیا خفت و اقتضای زبان بند شد. این امر بررسی کوتاهی از محتوی گفتارهای دیگر شد ما این را در پیشان میدهند که این رای بی "بیک" واقعی ایران نبود، بیک اسارتگران و انقیاد خواهان ایران، بیک جیره خواران بارگاه کرملین بود و امواج ناموزن شکیل و خواست تزارهای توتین و بدست مردمانی زبون و بی اراده بنوشان در میامد. ستایشگریها و خوشترقی های برادری "بیک" مانند فریاد ها و حمله های پش ربه بر محمد رضا شاه به خاطر منافق خلق و آزادی و استقلال ایران بلکه بخاطر نیل به سود اکبری های تنگنیک اقتصادی و سیاسی و نظامی استثمارگران روس و علیه خلق این صدای ناموزن وظیفه تخنید بر افکار انقلابی خلق و ترویج اندیشه های سازشکارانه بود. انتقال بی ربه عهد نه داشت. مواضع رای بی "بیک" هموار تا به تحسیرات سیاست روز امیرالینیم شوروی و روایطان باز رژیم شاه بود و این تبعیت و تحسیرات آنقدر تکرار و تکرار شد که مکنتها کس در بی اعتباری گفتارهای تیزترید روانعید است بلکه خوب روهسان نیز بهی اثری بی آبروشی صدای خوشترقی بردند.

شاه مزدور و زین بکار نشینست و در بی تلاشهای چندین ساله خود در صد و برآمد ککار را بیکسر کند. صدای بی بند "مزا حقین ربه" بند کند و خوان نیکمگسترند شد. دیدارهای رسمی و غیر رسمی مذاکرات و هیکار ببهائی اقتصادی وقتیه و انعقاد قرارداد دوستی و همکاری با نزد ساله، تشکیل کمیسیونهای مشترک سالیانه و در نتیجه شرکت سوسیال امیرالینیم واقاران در رفارت و استثمار خلقهای ایران بالاخره بکار خود را کرد. در این میان بلغارستان که به جالیز روسها شهرت دارد و به برکت معنیای "برادری بزرگتر" با معضلات اقتصادی علاج ناپذیری بدست بگیریمان است، آس برنده را دست داشت چون مقررات رای بی "بیک" ایران در ریختن این کشور بود.

بلغارستان از اروپای شرقی و ایران از آسیا طرفدار خود را از سیستم امنیت جمعی در آسیا ۳۰۰ سالند داشتند و نخست وزیران دو کشور در ربه مسائل بین المللی نظرات مشابه میانزدیک بهم پیدا کرده و پشتیبانی خود را از سامعی بیکبری که جهت حفظ و تحکیم سبائی صلح جهانی بر اساس منشور سازمان ملل متحد و اجزای اصول همزیستی مسالمت آمیز بین ملت ها صرف نظر از نظام اجتماعیشان بعمل می آید ابراز داشتند (اطلاعات هوای ۲۶ دسامبر ۱۹۷۶ - تکیه از توفان).

بعد از توافق بر روی مسائل مهم ملی و بین المللی و ولست ایران ۵۰۰ ملیون دلار به بلغارستان سوسیالیستی جهت طرح های کشاورزی اعطا کرد، حجم مبادلات بازرگانی از ۶۰ ملیون دلار به ۱۳۰ ملیون دلار رسید. علاوه بر اینها در برکت اقتصادی که بین همد دو استانکتود و رفی رئیس شوروی وزیر بلغارستان پیضا انضام رسید، ایجاد یک کارخانه تهیه پنیر بلغار در گلیایگان، تا یک کارخانه کسز و سیوه و سبزی در کمرسا را ایجاد سردخانه میوه و گوشت، تولید یک واحد پرورش مرغ گوشتی در زینشاپور ایجاد

دنیائی... بقیه از صفحه ۱ آن شکی را بدیم که در خواص است. دانشتن این امر که که امیرالینیم خطرناکتر است مسئله "رمان و کشور است و نه مسئلهای در ماهیت. برای محافظت و دنیا وجود ارد و یک دشمن که ما می توانیم آنها را مقابله برخیزیم بدین ترتیب که در وجه اول با بورژوازی کشور خود مبارزه کنیم، چون این بورژوازی با بورژوازی همه کشورهای جهان سرمایه داری در آمیخته است. درست باینجهت است که سرنگونی بورژوازی در انگلستان تاثير مخرب بزرگی بر تمام جهان سرمایه داری خواهدگذاشت. و این تاثیر فقط باین جهان محدود نخواهد شد، کشورهای سوسیالیستی را نیز تقویت خواهد کرد که در واقع تکلیفی است که ما باید بهبرادران طبقه کارگر خود در این کشور ها داد کنیم که با تحمل قربانیهای فراوان قابلیت حیات سیستم سوسیالیستی را نشان داده اند.

عنوان مکاتبات
X.DR.GIOVANNA GRONDA
87030 ARCAVACATA (CS) ITALY

حساب بانکی
X.DR.GIOVANNA GRONDA
CONTO 17549/11
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO /ITALY

اتحاد کارگر و دهقان ضامن پیروزی انقلاب ایران است!

از نامه استالین به شاتونوفسکی (اوت ۱۹۳۰)

... شما در نامه خود از "ارادت" بمن سخن می‌رسانید. شاید این نکته بطور تصادفی در نامه شما آمده باشد. شاید... اما اگر این جمله تصادفی نیست مایلیم بشما اندرز دهم از اصل "ارادت" به اشخاص دست بکشید، این یک شیوه بلشویکی نیست. ارادت به طبقه کارگر به حزب آن، به دولت آن باشد. این امری خوب و مفید است. اما آنرا با "اخلاص" به اشخاص یعنی این بازیچه‌ها و بی‌پرده روشنفکران سبک مغز خلط ننمائید.

با درود های کمونیستی - استالین
(جلد ۱۳)

شانزده روز اعتصاب کارخانه نورد اهواز وسیمان فارسیت اهواز

کارخانه نورد اهواز ریست کیلومتری جنوب اهواز واقع است یکی از چندین کارخانه‌هاست که در ایران است که بوسیله سرمایه‌داران خارجی و ایرانی تا سیر بوسیله آلمانی‌ها اداره می‌شود. در این کارخانه ۴۰۰ کارگر و دستکار ایرانی به کار مشغول اند. حقوق متوسط این کارگران از بد و استخفاف و نسبت قدرت کار آنها بین روزی ۱۸ الی ۲۸ تومان نوسان می‌کند. این کارگران مانند تمام زحمت‌کشان ایرانی در بدترین شرایط چه از لحاظ کار و چه از لحاظ بهداشت قرار دارند. از بهداشت و مسکن و مزایای حقوقی بطور کلی خبری نیست حتی حقوق... تومان در ماه آنها هم سر موقع بدست آنها نمی‌رسد. در سال اخیر در ماه... در میان بخاطر مسکن کم می‌شود. ولی همیشه نام خانه نصیب این کارگران می‌شود.

این فشارها و فشارهای دیگر کارگران را به مبارزه با این خون‌خوار و امیدارد. مبارزه در مه‌ماه... به با شعار مسکن و اضافه دستمزد بایک اعتصاب همگانی شروع می‌شود و بعد خوردن هائی بین کارگران و مزدوران ساواک می انجامد و کارخانه بوسیله عده زیادی از سرمایه‌داران لشکر ۳۳ زرهی اهواز محاصره می‌شود. این مبارزه ۷ روز طول می‌کشد چون این کارگران فاقد رهبری صحیح بودند اعتصاب پایان پیدا می‌کند و فقط به یک مقدار قوت‌نهایی که "آقای رضائی" (رئیس کارخانه که از افراد با سابقه ساواک و خود یکی از سهام داران است) می‌دهد دل خوش می‌دارند.

کشاورزی وسیله ای در خدمت توسعه طلبی

کشاورزی در جهان پیوسته اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، برخی محصولات غذایی خصلت استراتژیک یافته‌اند که با در دست داشتن آنها میتوان طرف مقابل را بناد آورده و میتوان مانند نیروی مسلح از آنها استفاده کرد. نامیرالیسم آمریکا که از لحاظ تولید محصولات کشاورزی مبداء آری نیروی توان شکرکی است و وسیله تازه‌ای برای تسلط بر بسیاری از کشورهای تحمیل سیاستهای امپریالیستی خود در اختیار گرفته‌است. کشورهای دیگر که از هم اکنون خطر چنین سلاحی را احساس می‌کنند در بین آنها کالیفرنیه و رشد کشاورزی خود را آنجا که ممکن است از واردات محصولات غذایی مهم بی‌نیاز گردانند، تا آنجا که ممکن است ذخیره‌های غیر چه فراوانتر از این محصولات فراهم آورند که بهنگام سختی در زمان تسلیم نشوند. بدین ترتیب اهمیت شاخه کشاورزی به‌تدریج به انسان محدود نمی‌ماند و دامنه‌اش به محیط سیاسی و نظامی نیز کشانیده شده است. کشورهای که تولید کشاورزی آنها کافی نیازمند بهای جمعیت کشور را نمیدهد بیشتر در معرض تهدید و خطر قرار می‌گیرند بویژه اگر از لحاظ ژئوگرافی طبیعی غنی باشند یا از لحاظ نظامی در موقعیت استراتژیکی ممتاز.

دنیائی واحد منقسم به طبقات

نشریه حزب کمونیست انگلستان (مارکسیست - لنینیست) "ورکر" در شماره ۲۴ ژانویه ۱۹۷۷ خود مقاله‌ای تحت عنوان "دنیائی واحد و منقسم به طبقات" انتشار داده است که در زیر به ترجمه آن مبادرت می‌ورزیم.

در سراسر جهان، دنیوی طبقاتی، طبقه سرمایه‌دار طبقه کارگر در برابر یکدیگر قرار گرفته‌اند که هم از لحاظ شیوه زندگی و هم از لحاظ شیوه تفکر مطلقاً با یکدیگر متفاوتند. از یک سو سرمایه‌داران و از سوی دیگر تولیدکنندگان متناسب نیازمند بهای هر دم آزاد و صلح. میان کشورهای که در آنها طبقه کارگر قدرت است مانند چین و آلبانی ویت نام و کشورهای که در آنها طبقه سرمایه‌دار قدرت را در دست دارد یک خط مرزی کشیده شده است. کشورهای سوسی و وجود ندارد که در آنها یکی از این طبقات بر سنده قدرت بنشیند. در هر دو هر کشور نیز میان نیروهای سرمایه‌دار - که در هر جا که قدرت در دست آنها است با جمعیت روزافزونی حکومت می‌رانند یا در هر جا که سرنگون شده می‌کشند و بار خود را بر سنده قدرت بنشانند - و طبقه کارگر که می‌تواند در همه جا با قدرت گرفتن قدرت و حفظ آن به استشاریایان بخشد یک خط مرزی کشیده شده است. از این رو است که طبقه کارگر در هر کشور باید حزب مارکسیست - لنینیست خود را داشته باشد که سوسیالیسم علمی را بر شرایط کشور خود انطباق دهد.

انگلستان در این گروه بندی طبقاتی جای خاصی را اشغال می‌کند. صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی که به سرمایه داری بریتانیا برای بهبود موقعیت لیبرال استرلینگ وام می‌دهند نمودار این امر است که انگلستان در خط اول سرمایه داری جهانی است. بریتانیای کبیر که اولین کشور سرمایه داری بود در خارج بحرانی عمومی سرمایه داری از این جهت ممتاز است که در آن تضادهای دگرگون فوق‌العاده حاد است. ماهیت اصلی این تضادها مبارزه میان طبقه کارگر و طبقه سرمایه داری است که کارگر را استثمار می‌کند. در انگلستان این مبارزه از هر کشور صنعتی دیگر تکامل یافته تر است.

برای بورژوازی این کشور هر روز بیش از پیش دشوار می‌شود که بر طبق دموکراسی بورژوازی حکومت کند. تعرض ضد انقلابی سرمایه داری در مبارزه اقتصاد بی‌نیاز شکست همه فرم ها و کاهش بزرگ دستمزد ها نمودار است. برای پیشبرد باید اشکال قدیمی مبارزه را برای بهترین دستمزد ها و بهترین شرایط کار مورد استفاده قرار داد اما این اشکال قدیمی مبارزه کنونی اشکال انقلابی اند.

ما هرگز نمیتوانیم از مبارزه طبقاتی دست برداریم یا با دشمنان طبقاتی از مصالحه و سازش در آئیم. ما هرگز نباید با بورژوازی خود در یک بستری خوابیم و نباید در یک بستر مشترک سرمایه داری انحصاری که بورژوازی ما آنرا با بورژوازی های اروپای غربی تدارک می بینند بخوابیم. شرکت در بازار مشترک و تحت قیمومیت درآمدن و قرارداد های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی جز لاینفک ضد انقلاب سرمایه داری انگلستان در جنبه سیاسی است. ما با قاطعیت علیه شرکت در بازار مشترک مبارزه می‌کنیم و ما در انتخابات مستقیم در زمین برای پارلمان اروپائی شرکت نخواهیم کرد همانطور که در انتخابات در زمین انگلستان که سرمایه داران از طریق آن حکومت خود را بر ما اعمال می‌کنند، شرکت نمی‌جوئیم. ما با تحت قیمومیت درآمدن مبارزه می‌کنیم و از هر گونه توسل به آراء عمومی استفاده نخواهیم کرد برای آنکه مخالفت طبقه کارگر را نسبت به این اقدام که پایه ملی ما را نابود خواهد کرد و نمای سیاسی کوشش اقتصادی برای نابودی پایه صنعتی ما است ابراز خواهیم داشت. ما در مبارزه خود شرایطی را که بر اساس آنها بورژوازی ما سرمایه مالی بین‌المللی توافق نموده است بر سیم نمی‌شناسیم.

همانگونه که در سند کنگره سال ۱۹۷۶ ما خاطر نشان شده است: تولید یک قدرت جدید در زمین بورژوازی در کشور سابقاً سوسیالیستی یعنی اتحاد شوروی ضربه‌ای در مبارزه طبقه کارگر وارد آورد و آنرا تضعیف کرد. تولید این قدرت در واقع تزریق آدرنالین به سرمایه داری در حال نزع بود برای آنکه هرگز آنرا نتوانیم عقب اندازد.

ما به هندستان و همکاران این مسیر قهرقرائی تبدیل خواهیم شد اگر فلسفه همزیستی را برای نجات انگلستان و اروپا از شر اتحاد شوروی بپذیریم. هرگز نباید طبقه کارگر که کشور متحد امپریالیسم ضعیف تر یا امپریالیسم کمرو و ضعیف می‌رود باشد ما هرگز نباید از مقابله خود با امپریالیسم انگلیس دست برداریم که بر بخشی از ایرلند حکومت می‌کند و می‌کوشد اداره مستقیم خود را بر دوش و باره در دست خود بگیرد و بسیاری از بخشهای دیگر جهان را با این بهانه که بریتانیای کبیر را خطری تهدید می‌کند تحت تسلط خود در آورد.

دفاع از بریتانیای کبیر بر عهده ما و بر عهده طبقه کارگر است. این یگانه قیمومیتی است که می‌پذیریم. ما بریتانیای کبیر را ایجاد کردیم. ما باید آنرا نجات دهیم.

ما میان خطری که از جانب امپریالیسم شوروی ما را تهدید می‌کند با خطری که از جانب امپریالیسم متوجه است تفاوتی نمی‌کنیم. این دلیل ساده‌ها که آنها هدف فهای واحدی را تعقیب می‌کنند. ما به ما هیت جنگ افروز امپریالیسم نمیتوانیم بقیه در صفحه ۳

درباره روابط میان احزاب برادر

مورد قبول قرار گرفته است و نه قطعنامه‌های این یا آن حزب برادر. "وقتی کسانی به فرمان جوید دست بدهند و قید و شرط مسخر خود را تغییر میدهند این امر را هیچ‌چیز نمیتواند بشناهد. روابط متقابل مستقل، برابر و عادلانه تلقی کرد که باید میان احزاب برادر برقرار باشد. این روابطی است بغایت غیرعادی، فتودالی پدرسالاری، ظاهراً بعضی از رفتار آنند کمیتوان کاملاً منافع پرولتاریا و خلق کشور خود را نادیده گرفت و نیز نمیتوان کاملاً منافع پرولتاریای جهانی و خلقهای سراسر جهان را نادیده گرفت و در جای پای دیگران گام برداشت. اما کجا باید رفت - به غرب یا به شرق به پیش یا به پس - این برای آنها کاملاً یکسان است. آنها کلمات دیگران را تکرار میکنند و در جای پای دیگران گام بر میدارند. در اینجا بیشتر طوطی صفتی است تا اصلیت مارکسیست - لنینیست."

حزب کمونیست چین در ریکاردا افتخار آمیز خود علیه روزنامه مدرن آموزشهای گرانبهای بدست داد که همه مارکسیست - لنینیست ها از آن آموختند و می‌آموزند. حزب کمونیست چین به ما آموخته است که: احزاب برادر در روابط متقابل خود برابریستند و هیچ کس حق ندارد بطلبد که همه احزاب برادر را حاکمی را کابین یا آن حزب عنوان کرده بپذیرند. قطعنامه‌های هر کنگره هرگز نمیتواند بشناهد شش مشترک جنبش کمونیستی بین‌المللی تلقی کرد و برای احزاب برادر دیگر نیروی الزامی ندارد. اگر مورسیر تئوری و فکری دیگران چنین طیب خاطری احکام و قطعنامه‌های حزب برادر را بپذیرند، این مربوط به خودشان است اما آنچه که مربوط به ما، حزب کمونیست چین است ما هر آن بود ما می‌برائیم که شیوه‌های مشترک عمل که برای ما و همه احزاب برادر الزام آور است فقط میتواند مارکسیسم - لنینیسم و فقط اسنادی باشد که توسط احزاب برادر به اتفاق آرا

(اختلافات از کجا نشاء می‌گیرند. جواب به تئوری و فکری)

موفق باد مبارزه بخاطر احیاء حزب طبقه کارگر ایران!

((جاسوسان پساد خراطه شهدای ۱۶ آذر))

شماره ۴

در ۱۸ مرداد سال ۱۳۲۲ آمریکا با صرف بیش از ۱۶ میلیون دلار دولت ملی و قانونی دکتر صدق را برانداخت و شاه فراری را به ایران بازگردانید. رهبری کودتا را زاهدی و دیگر سرکردگان ارتش و پلیس که حیره خود را از آمریکا و انگلستان دریافت میکردند به عهد داشتند و سیاهی لشکر آن را لومین ها (اراذل و اهاثر ولکسردان و چاقوکشان) تشکیل میدادند. چند ماهی از ورود شاه فراری به ایران میگذشت. میدانها و خیابانها و کوچه‌ها از خون فرزندان دلیر خلق رنگین شد. بود. دژ خیمان پهلوی دهها هزار زن و مرد و پسر جوان را به سیا. چال انداخته و پیکر دست بسته هزاران عاشق پاکباخته را. وطن و آزادی را به مسلسل بسته بودند. ظاهرا آنها از آسیاب افتاد. بود و قدار. بندگان رژیم هر همه جا سلطه بودند. دولت آمریکا تاج و تخت شاه را به او بازگردانید. بود و اکنون نمایند. خود نیکسون را روانه ایران میساخت تا امتیاز نفت این فرانسیس ترسین شروت ملی ما را بچنگ آورد. اما آتش انقلاب ایران با وجود آنهد کشتار همنان زبانه میکشد. مسلت ایران قربانیان خویش را از یاد نبرد. بود. دانشگاه. این مشعل فرزندان علم و دانش این سنگر شکست ناپذیر خلق این جایگاه. جوانان پرشور و میهن پرست یکپارچه خشم و آتش بود.

تا اینکه در روز ۱۶ آذر همان سال بعد از چند روز مداعره کردن دانشگاه تهران پلیس مزدور ایران برای اولین بار در دنیا از طریق هوا و زمین به دانشگاه هجوم برد. و صحن قدس آنرا از خون دانشجویان وطن پرست شویعت رضوی قندچین و بزرگ نیا گلگون ساختند. اینک بیش از بیست سال از آن حماسه تاریخی میگذرد. در این سالها رژیم خونخوار پهلوی یک دم از جنایت و کشتار نیامود. است. اما در این مدت نهضت دانشجویی ایران پاهای جنش خلق پیشرفته است از واقعه سیاهگل به بعد شاهد انقلابی بیسابقه نهضت دانشجویی بود. ایم.

دانشجویان میهن پرست ایرانی در خارج از کشور در صفوف کنگر راسیون جهانی دانشجویان ایرانی همپسای دانشجویان داخل کشور دلیرانه به میدان مبارزه گام نهادند. رژیم شاه دانشجویانی را که در راه دفاع از آزادی و سرنگونی میهن خویشها خاسته اند و در برابر امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی و دیگر امپریالیستهای ریز و درشت فریاد اعتراض برداشته اند به گلوله میزند. عذبه دانشگاه را به سر باز خانه بدل کرد. و در سر گوشه و کنار آن مأمور گمارد. است. کماندوهای شاه جلد هر روز و هر ساعت به خوابگاههای دانشجویان سالنها. فا. خوری پرورشی برند و آنچه را که در راه خود می یابند در هم می شکنند. اما آنگاه که اتحاد میان دانشجویان و تود. های زحمتکش مستحکم گردد و نهضت روشنفکری ایران در راه احیای حزب طبقه کارگر ایران گام نهاد. آنگاه که صوم طبقات مبارز در جبهه واحدی بر رهبری طبقه کارگر گرد آیند. آنگاه که ملیونها ایلیماتی و دهقان و کارگر طبقه به یکپارخیزند دیگر هیچ نیروی قادر به درهم شکنستن آنها نخواهند بود.

و نتیجه همه انقلابیون ایران در شرایط کنونی احیای حزب طبقه کارگر است.

مستحکم پساد پیوند دانشجویان با تود. زحمتکشی.

سرگرم بر رژیم پوسید. شاه و حامیان فارتگسراو.

سازمان سارکمیسی - لنینیستی نسرو فان

خروش دانشگاههای ایران

۱۶ آذر روز مقدس دانشکده و دانشگاهیان است، روزی است که دانشجویان و استادان دلیر و میهنپرست بیادشدهای آذر ۱۳۳۲ همه ساله پیمان میبندند که در مبارزه با رژیم شاه استوار و پایدار باشند، تا رژیم شاه را از پای درنیاورند، از پای نایستند. سازمان امنیت هر سال برای جلوگیری از تظاهرات دانشگاههای ایران با انواع حیل و نیرنگ توسل میجوید. اما دانشگاهها همه ساله روز ۱۶ آذر مانند دریای توفانی میخروشند و کشتی شکسته رژیم شاه را هر روز بیشتر در مغان فرو میبرند.

در ماه آذر امسال آتش خشم دانشگاهها سراسر ایران را در خود فرو برد، موج اعتصابات بیشتر دانشگاهها و دانشکدههای کشور را دربر گرفت، در بیشتر دانشگاهها و دانشکدههای کشور اعتصابات پرشوری برپا گردید در برخی از دانشکدهها موج اعتصاب حتی از ماه مهر و آبان خروشیدن گرفت. در همه حال دانشجویان مبارز و رزمنده صدای اعتراض خود را بار دیگر علیه رژیم شاه، علیه خیانتها و بیداد دریهای آن بلند کردند.

سیاست خائنانه شاه، سیاستی که تمام هستی مردم را بغارت امپریالیسم میدهد و توده های مردم را به خاک سیاه نشانیده است، سیاستی که برای حفظ منافع غارتگرانه امپریالیسم هر صدای اعتراضی را در سینه خفه میکند آنچنان بحرانی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی پدید آورده که تاریخ و جامعه ما را در هم ریخته است. عمره این بحران برای مردم ماجز فقر و سیه روزی روز افزون، محرومیت از آزادی و کلیه حقوق سیاسی و اجتماعی نیست.

کار "انقلابات" شاهانه آنقدر بافتضاح کشیده که همه کم آنها را بسخره میگیرد. اکنون در کنار رژیم ترور و اختناق و مسلط ساختن اراذل و اوباش سازمان امنیت بر جان و مال و ناموس مردم، برای شاه جز کنده کوئی و وعده دادن باقی نمانده است، وعده های تو خالی و پوچ که دیگر کسی را فریب نمیدهد. رژیم شاه با حکومت فاشیستی و هستی بر انداز خود مردم میهن ما را بستوه آورده است. این وضع ناهنجار دیری است که توده های مردم میهن ما را به مقابله واداشته است. آتش مبارزه کارگران، دهقانان، روشنفکران و روحانیون مترقی در همه نقاط کشور زبانه میکشد. این مبارزات منفرد و پراکنده نشانه مقاومت سر سخت قاطبه خلق ایران در برابر خیانتها، جنایات، فساد و تباهی های رژیم شاه و خاندان منفور و کثیف پهلوی است.

خروش دانشگاههای ایران یکی از مظاهر این مبارزه است. دانشکده های فنی، علم و صنعت، علوم کمپیوتری با زردانی، پلی تکنیک، آریامهر، کشاورزی و منابع طبیعی با اعتصابات و تظاهرات و پخش اعلامیه ها نشان دادند که کانون مشتعل مبارزه دانشگاه هرگز خاموش نخواهد شد. روز ۱۴ آذر در حالیکه دانشگاه در محاصره پلیس بود میتینگی از طرف عده کثیری از دانشگاهیان در محوطه دانشگاه تهران ترتیب داده شد، سخنرانان وعده های تو خالی شاه را در همه زمینه ها بویژه در مورد تامین مسکن بباد انتقاد گرفتند و استخدا دهها هزار مستشار امریکائی را با حقوقهای کلان ۱۲ هزار دلاری در ما ه شدیدا محکوم کردند. در تظاهرات تیکه در او آذر ماه در چهار راه حسن آباد و میدان بهارستان بمناسبت درگذشت دانشجویان مبارزیکه در سقوط از کوه جان خود را از دست داده بودند صورت گرفت طی برخورد با پلیس تعدادی کشته و زخمی برجای ماند.

مبارزه مداوم و بلا انقطاع خلق ایران معلول وضع نابسامانی است که رژیم شاه آفریده است. این مبارز بدون شك در تضعیف رژیم شاه نقش ارزنده ای بازی میکند. این مبارزات اکنون جدا و پراکنده است ولی نخواهد پائید که این جویبارهای پراکنده مبارزه در بستر واحدی خواهند افتاد و از آن سیل خروشان بر خواهد خواست که شاه و دودمان کثیف و فاسد پهلوی و حامیان بیگانه اش را از سر راه خلق ایران خواهد رویید.